

موعظه سر کوه / خوشحال صلح کنندگان (متی ۵:۹)

از مقدمه موعظه سر کوه عیسی مسیح، که معرفی ۸ ویژگی از شهروندان ملکوت خداست، تا کنون، شش ویژگی را بررسی کردیم که از این قرارند.

متی ۵:۳-۸ خوشحال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشحال ماتمیان، زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. خوشحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد. خوشحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد. خوشحال رحم کنندگان، زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد. خوش بحال پاک دلان زیرا ایشان خدا را خواهند دید.

ما این هشت ویژگی رو به دو گروه چهارتایی ویژگی های درونی و برونی، تقسیم کردیم.

گفتیم که ویژگی های درونی در گروه اول، که شامل (۱) مسکینان در روح (۲) ماتمیان (۳) حلیمان (۴) گرسنگان و تشنگان عدالت می باشند، در واقع معرف شخصیت روحانی ما مسیحیان هستند و بدون آنها، چهار ویژگی برونی دیگر مفهومی نخواهند داشت.

در جلسات قبل به دو ویژگی برونی رحم کنندگان و پاکدلان پرداختیم و امروز به سومین ویژگی برونی تحت عنوان صلح کنندگان می پردازیم که عیسی مسیح در متی ۵:۹، در این رابطه چنین می گوید:

متی ۵:۹ خوشحال صلح کنندگان، زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد. (ترجمه کلاسیک)

مفهوم صلح در کتاب مقدس

صلح یا آرامش واژه ایست که سراسر کلام خدا را تحت الشعاع قرار داده. کتاب مقدس با آرامش در باغ عدن آغاز و با موضوع آرامش در ملکوت جاودانی خدا، به پایان می رسد.

حتی تاریخ بشر را با عبارت صلح یا آرامش می توان تقسیم بندی کرد.

بعنوان مثال، گناه انسان باعث شد تا آرامش خدا در باغ عدن گسیخته شود. در صلیب مسیح صلح و آرامش خدا دوباره برقرار شد. و از آنجائیکه مسیح بر صلیب، آرامش ما گردید هر شخصی که به او ایمان می آورد می توان آرامش خدا را دریافت نماید.

کلام خدا، در اشعیا ۶:۹ مسیح را شاهزاده صلح و سلامتی لقب داده است که بزودی بر خواهد گشت و ملکوت خود را برای همیشه برقرار خواهد کرد.

پس بطور خلاصه صلح در باغ عدن، توسط گناه آدم از بین رفت، آنگاه توسط صلیب مسیح برقرار شد و توسط بازگشت ثانوی او، برای همیشه باقی خواهد ماند.

کلمه صلح یا آرامش در کتاب مقدس ۴۰۰ بار بکار گرفته شده و این نمایانگر اهمیتی است که برای خدا داد.

خدا در کلامش خود را خدای سلامتی و آرامش معرفی می کند.

شاید پیرسید پس چرا در دنیا آرامش نیست؟

دو دلیل دارد اول دشمنی شیطان و دوم ناطاعتی انسان است.

بعبارتی، سقوط فرشتگان و انسان دو دلیل اصلی برای عدم وجود آرامش در دنیا هستند.

باید توجه داشت که صلح زمانی بین طرفین برقرار می گردد که هر دو طرف بخواهند. بعبارتی برقراری صلح از یک طرف غیر ممکن است.

صلح کنندگان خدا

خدا صلح کنندگان را سفیران خود در این جهان قرار داده تا صلح و آرامشی را که از زمان سقوط آدم از دست رفته تجربه و باز سازی کنند.

بنابراین، ماموریتی که خدا به صلح کنندگان سپرده بیش از جایزه نوبل ارزش دارد چون آنها حامل پیام صلح واقعی و جاودانی هستند.

صلح کنندگان، فرزندان خدا نیز نامیده شده اند. این القاب، یعنی صلح کننده و فرزند خوانده خدا، بسیار مهم و ارزشمند هستند.

منظور مسیح از صلح کنندگان اشاره به حاکمان، دیپلماتها، قضات، سازمانهای حقوق بشر، شوراهای حل اختلاف، میانجیان، فعالان سیاسی / اجتماعی، حتی شوراهای کلیسایی که برای ایجاد صلح و آرامش تلاش می کنند، نیست. این خوشبحال شامل هیچ کدام از این گروه ها نمی شود، چون آنها صلح کنندگان مسیح نیستند.

البته این نکته مثبتی است، چون هیچ کدام از این گروه ها در عمل نتوانستند در کار خود موفق باشند و شکستهای بدی در این مسیر خورده اند. بعنوان مثال:

مذاکرات صلح با ایران از زمان کارتر (۱۹۷۷) تا کنون برقرار است اما هیچگاه موفق نبوده. ما هیچگاه نتوانستیم در مقاطع سیاسی و اجتماعی صلح ایجاد کنیم. در واشنگتن یادبودهای صلح بسیاری می توان یافت. اما اگر سوال کنید که از میان تمام این توافق نامه های صلح چندتای آنها شکسته شده اند، پاسخ این است که تمام آنها.

توافق نامه های صلح در تاریخ هیچگاه نگاه داشته نشده اند. اگر هم شده، برای تجهیز و بارگزاری صلاحهای جنگی بوده.

ملتهای جهان پس از جنگ جهانی دوم آنقدر نگران نتایج جنگ بودند که سازمان ملل را در سال ۱۹۴۵ پایه گذاری کردند، و از آن پس دنیا روزی را بدون جنگ نگذرانده است.

شعار سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ بدین مضمون تعیین شد.

آزاد ساختن نسلها از مصیبت جنگ

اما تا کنون حتی یک روز قادر به انجام آن نبوده اند. روزنامه New York Times در سال ۱۹۶۸ گزارش داد:

که از سال ۱۹۵۸، هشتاد و دو ملت با هم در جنگ بودند و حدود ۱۶۴ شورش و جنگ بین آنها در گرفته است. شعار کمپین ریاست جمهوری، رئیس جمهور اسبق آمریکا آقای Nixon، داشتن نسلی بدون دیدن جنگ بود. اما ملت آمریکا آنرا تجربه نکرد. بعضی از مورخین سالهای ۱۸۱۵ الی ۱۸۴۶ و ۱۸۶۵ الی ۱۸۹۸ را سالهای بدون جنگهای داخلی در آمریکا اعلام کرده اند، و این بدین علت است که آنها حمام خون و جنگهای بومیان این سرزمین یعنی سرخپوستان را به حساب نمی آورند. ما هیچ نسلی بدون جنگ در آمریکا را

تعداد افرادی که در آمریکا با اسلح های شخصی کشته شده اند بیشتر از افرادی ست که در جنگها جانشان را از دست داده اند. صلح و آرامش وجود ندارد. روابط بسیار شکننده و حساس هستند. روابط شخصی، احساسی، معنوی، روانی و بخصوص روحانی انسان، همه دستخوش ناپایداریست.

امروزه شاهد از هم پاشیده شدن روابط در تمام سطوح جامعه هستیم و این حاصل انعکاس وضعیت درونی انسانهاست. آرامش را در وجود هیچ کس نمی توان یافت.

عیسی مسیح در اینجا برای صلح کنندگان و طالبین آرامش برکت می طلبد.

حال برای درک این آیه باید پنج حقیقت در رابطه با صلح یا آرامش را بدانیم.

اولین آن مفهوم صلح و آرامش است.

پنج حقیقت در مورد صلح یا آرامش

۱) مفهوم صلح یا آرامش

مفهوم آرامش چیست؟ خدا آرامش را چگونه می بیند؟ دیدگاه الهی در مورد صلح یا آرامش چیست؟

بعضی آرامش یا صلح را فقدان مشکل یا درگیری می دانند. اگر این حقیقت داشت پس قبرستانها را باید الگوی مناسبی برای آرامش دانست.

مفهوم صلح و آرامش فراتر از یک آتش بس در جنگ هست. آتش بس یعنی اینکه برای مدتی موقت اسلحه ها را زمین بگذاریم و به هم شلیک نکنیم.

حال شاید بعضی بگن که خوب ما فقط سعی داریم که به برخورد هایشان خاتمه بدیم و نگذاریم که با هم جر و بحث کنند. فعلاً مسائل را فیصله بدیم تا آرام بشن.

این تعریفی است که دنیا برای صلح یا آرامش دارد. غافل از اینکه طرفین مخاصم از فرط خستگی و بخاطر تمام شدن تجهیزات تن به آتش بس میدن تا دوباره تجهیزايشان را جمع کنند و صلاح هایشان را بارگزاری کنند و دوباره به نبردشان، حتی شدیدتر از قبل، ادامه دهند.

متأسفانه دنیا بجای پرداختن به راه حل، مشکل طرفین را با آتش بس های موقتی تسکین میدهد. بعضی ها پیشنهاد می کنند که تا مدتی از هم جدا بشید و به هم فرصت بدید.

اما، صلح و آرامشی که مد نظر خداست بر ریشه و مشکل اصلی چیره می شود. صلح و آرامشی است که با روش و حکمت الهی همراه هست.

يعقوب ۱۷:۳ خرد و حکمتی که از آسمان می باشد، در وهله اول پاک و نجیب است ، و بعد صلح جو و مودب و ملایم؛ حاضر به گفتگو با دیگران و پذیرش نظرات ایشان است؛ لبریز از دلسوزی و اعمال نیک بوده، صمیمی و بی ریا و بی پرده می باشد. (ترجمه)

صلح و آرامشی که بدون تقدس باشد، مد نظر خدا نیست.

عبرانیان ۱۴:۱۲ بکوشید تا با همه مردم در صلح و صفا بسر برید، و دلی پاک و زندگی مقدسی داشته باشید، زیرا تا پاک و مقدس نباشید، خداوند را نخواهید دید. (ترجمه تفسیری)

مزمور ۱۰۸:۵ رحمت و راستی با هم ملاقات کرده‌اند؛ عدالت و صلح یکدیگر را بوسیده‌اند! (ترجمه تفسیری)

بعبارتی هر جا که صلح و آرامش واقعی برقرار باشد در آنجا عدالت نیز هست. جایی که آرامش واقعی باشد، پاکی و قدوسیت هم وجود دارد، چون اینها عناصری می باشند که باعث برطرف کردن مشکلات و موانع برای ایجاد آرامش و صلح می باشند.

البته که برای ایجاد صلح و آرامش باید بهای گزافی پرداخت کرد اما، باید مواظب بود که حقیقت را هیچگاه فدای صلح و آرامش نکرد. عیسی مسیح در این رابطه در متی ۳۴:۱۰ چنین می گوید:

متی ۳۴:۱۰-۴۰ گمان مبرید که آمده ام صلح و آرامش را بر زمین برقرار سازم. نه، من آمده ام تا شمشیر را برقرار نمایم. من آمده ام تا پسر را از پدر جدا کنم، دختر را از مادر، و عروس را از مادر شوهر. بطوریکه دشمنان هر کس، اهل خانه خود او خواهند بود. اگر پدر و مادر خود را بیش از من دوست بدارید، لایق من نیستید؛ و اگر پسر و دختر خود را بیش از من دوست بدارید، لایق من نیستید. اگر نخواهید صلیب خود را بردارید و از من پیروی کنید، لایق من نمی باشید. اگر بخواهید جان خود را حفظ کنید، آن را از دست خواهید داد؛ ولی اگر جانتان را بخاطر من از دست بدهید، آن را دوباره بدست خواهید آورد. هر که شما را بپذیرد، مرا پذیرفته است؛ و کسی که مرا پذیرفته در واقع خدایی را که مرا فرستاده، پذیرفته است. (ترجمه تفسیری)

مسیح نیامد تا به بهای قربانی کردن حقیقت، صلح و آرامش ایجاد کند. یهودا در رساله خود اهمیت این موضوع را اینگونه بیان می کند.

یهودا ۳-۴ ای عزیزان، در نظر داشتم درباره نجاتی که خداوند به ما عطا فرموده، مطالبی برایتان بنویسم. اما اکنون لازم می بینم، مطلب دیگری بجای آن بنویسم تا شما را ترغیب نمایم از آن حقیقتی که خدا یکبار برای همیشه به مقدسین خود عطا کرد، با جدیت تمام دفاع کنید. زیرا عده ای خدانشناس با نیرنگ وارد کلیسا شده‌اند و تعلیم می دهند که ما پس از مسیحی شدن، می توانیم هر چه دلمان می خواهد انجام دهیم بدون آنکه از مجازات الهی بترسیم. عاقبت هولناک این معلمین دروغین و گمراه از مدتها پیش تعیین شده است، زیرا با سرور و خداوند یگانه ما عیسی مسیح، سر به مخالفت برداشته‌اند. (ترجمه تفسیری)

پس، صلح کننده بودن به این مفهوم نیست که سعی کنیم برای جلب رضایت گناهکاران به هر سازی که آنها می خواهند برقصیم. بلکه درست برعکس، ما فقط به ساز خداوند می رقصیم و در هیچ شرایطی حاضر به سازش با گناه و روشهای گناه آلود این دنیا نخواهیم بود.

علاوه بر این، گاهی صلح کننده بودن باعث اختلاف و جدایی بین افراد میشه.

بعنوان مثال: شخص معتادی که از گناهانش توبه می کند نباید با دوستانی که او را به گناه می کشیدند معاشرت داشته باشد. و از این قبیل... و البته این گونه جدایی ها گاهی به جنگ می انجامد. عیسی مسیح در این رابطه در لوقا ۵۱:۱۲ چنین می گوید.

لوقا ۵۱:۱۲-۵۳ آیا تصور می کنید که آمدن من باعث صلح و آشتی مردم با یکدیگر می شود؟ نه! بلکه بخاطر من، مردم با یکدیگر اختلاف پیدا خواهند کرد، و خانواده ها از هم پاشیده خواهند شد! دو نفر به جانب من خواهند بود و سه نفر بصد من. نظر پدر خانواده درباره من، با نظر پسرش متفاوت خواهد بود. همچنین مادر با دختر، و عروس با مادر شوهر اختلاف نظر پیدا خواهند کرد. (ترجمه تفسیری)

عیسی مسیح به عبارتی می گوید که بدیهی است که در ابتدا، وقتی شخصی تصمیم به پیروی از من می گیرد، همه به ضد او بر می خیزند.

صلح و آرامش واقعی فقط زمانی حاصل می گردد که انسان نسبت به حقیقت عکس العمل درست نشان می دهد.

پس صلح کنندگان کتاب مقدسی، هیچ گاه در مقابل گناه سکوت نمی کنند، با گناه سازش نمی کنند و با آن کنار نمی آیند. نسبت به حقیقت و عدالت الهی بی تفاوت نیستند.

خیر، صلح و آرامشی که خدا در نظر دارد فراتر از نبود یا فقدان مشکل یا درگیری است. در نظر خدا، صلح یا آرامش با حضور عدالت و محبت حاصل می شود.

آرامش و صلح از آتش بس ها در جنگ ایجاد نمی شود. آنچه دو نفر را به هم نزدیک می کند محبت می باشد.

در زمان عیسی مسیح وقتی یک یهودی به دیگری، شالوم یعنی صلح یا آرامش می گفت، به این معنی نیست که برای او آرزوی فقدان جنگ یا مشکل می کند، بلکه برایش آرزو می کند که تمام عدالت و نیکویی ای که خدا برایش در نظر دارد، را دریافت کند.

شالوم یعنی بهترین نیکویی های خدا را برایت خواهانم.

پس اگر ما می خواهیم صلح کننده باشیم نباید فقط به جنگ خاتمه بدیم بلکه عدالت و محبت خدا را جایگزین آن کنیم.

صلح کنندگان فقط طرفین را به آرامش دعوت نمی کنند، بلکه باعث می شوند که هر دو طرف بدی و مشکلاتی را که نسبت به هم داشتند فراموش کنند و یکدیگر را بخشیده با محبت در آغوش بکشند.

دومین حقیقتی که باید در مورد صلح یا آرامش بدانیم، مانع صلح و آرامش است.

۲) مانع صلح و آرامش

باید بدانیم که مانع صلح و آرامش چیست؟ چه چیزی جلوی صلح و آرامش را می گیرد؟ سدی که جریان آنرا مسدود می کند چیست؟ بدیهی است که اگر تعریف صلح و آرامش را حقیقت و راستی بدانیم پس دشمن یا مانع صلح و آرامش باید ناراستی، خطا یا گناه باشد. گناه مانعی است که نمی گذارد در دنیا صلح و آرامش برقرار شود.

ارمیا ۹:۱۷ هیچ چیز مانند دل انسان فریبکار و شرور نیست؛ کیست که از آنچه در آن می گذرد آگاه باشد؟ (ترجمه تفسیری)

اشعیا ۲۲:۴۸ خداوند می فرماید: «گناهکاران از سلامتی برخوردار نخواهند شد.» (ترجمه تفسیری)

اشعیا ۵۷:۲۰-۲۱ بدکاران مانند دریای متلاطمی هستند که هرگز آرام نمی گیرد، بلکه همیشه گل و لجن بالا می آورد. برای بدکاران سلامتی و آرامش وجود ندارد.» این است آنچه خداوند می فرماید. (ترجمه تفسیری)

ارمیا می گوید که دل آدمی به فریب و شرارت آلوده شده و اشعیا نبی نیز تأیید می کند که انواع بدی ها از دل شرور انسان صادر می شود و باعث ناآرامی او می گردد.

عیسی مسیح در این رابطه چنین می فرماید:

متی ۱۹:۱۵ افکار پلید، قتل، زنا، فسق، دزدی، شهادت دروغ و افترا از دل سرچشمه می گیرند. (ترجمه مؤده)

پس نتیجه می گیریم که دل فاسد و فریبنده انسان ریشه عدم صلح و آرامش می باشد.

یعقوب در این رابطه چنین می گوید:

یعقوب ۱۷:۳-۱۸ خرد و حکمتی که از آسمان می باشد، در وهله اول پاک و نجیب است، و بعد صلح جو و مودب و ملایم؛ حاضر به گفتگو با دیگران و پذیرش نظرات ایشان است؛ لبریز از دلسوزی و اعمال نیک بوده، صمیمی و بی ریا و بی پرده می باشد. آنانی که صلح جو هستند، بذر صلح می کارند و نیکی و خیر درو می کنند. (ترجمه تفسیری)

پس می توان نتیجه گرفت که صلح کنندگان واقعی، بذر عدالت و راستی را می کارند.

کلام خدا می گوید که ایمان از شنیدن و شنیدن از کلام خداست.

ما برای ایجاد صلح اول باید مانع یعنی گناه را برداریم و این کار را توسط اعلان کلام خدا انجام می دهیم. چون بشارت کلام خدا در دل مردم تشنه و حقجو، ایمان ایجاد می کند و ایمان باعث توبه و بخشش گناهان می گردد. این حقیقت را در روند خوشابحال ها نیز می توانیم مشاهده کنیم.

سومین حقیقتی که باید در مورد صلح و آرامش بدانیم در رابطه با منشاء آن است.

۳) منشاء صلح و آرامش

تولید کنندگان صلح و آرامش چه کسانی می باشند؟ منشاء آرامش کیست؟ پولس در این رابطه می گوید:

اول قرنیتان ۳۳:۱۴ خدا، خدای هرج و مرج نیست بلکه خدای نظم و آرامش است. (ترجمه مؤده)

پس خدا منشاء نظم و آرامش است. دوم تسالونیکیان و رساله عبرانیان خدای آرامش را بما معرفی می کنند. عهدعتیق نیز خدا را منشاء آرامش می داند.

پس صلح و آرامش واقعی از خداست.

در واقع انسان تا زمانیکه در گناه سقوط نکرده بود، ناآرمی را نمی شناخت.

بعبارتی گناه باعث شد تا آنچه را که خدا به انسان هدیه کرده بود از دست بدهد. بنابراین تنها راهی که می توان آرامش از دست رفته را بازگرداند، این است که آنرا از خدا دریافت کنیم.

آرامش کامل در خدا می باشد.

ما این آرامش را در تثلیث مشاهده می کنیم. تثلیث واحد مرکبی است که در آن صلح، آرامش، اتحاد و هماهنگی کامل برقرار می باشد. این گونه آرامش را فقط می توان از خدا یافت. پولس در افسسیان ۱۴:۲ به زیبایی بیان می کند که خدا چگونه این آرامش را برقرار کرده است.

افسیسیان ۱۴:۲ مسیح پیوند صلح و دوستی ماست. او، ما یهودیان را با شما غیریهودیان آشتی داد و دیوار تبعیض را که ما را از هم جدا می کرد، از میان برداشت و ما را عضو یک خانواده ساخت. (ترجمه تفسیری)

دلیل اینکه خدا از گناهان ما چشم پوشی می کند، مسیح است. عیسی مسیح باعث شد تا خدا بتواند ما را بپذیرد. بعبارتی، مسیح دلیل آشتی ما با خداست.

کولسیان ۲۰:۱ در اثر کاری که مسیح در حق ما انجام داد، خدا راهی مهیا کرد تا همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، بسوی خود باز آورد؛ جانبازی مسیح بر روی صلیب و خونی که او در راه ما ریخت، همه را با خدا صلح داده است. (ترجمه تفسیری)

صلح کنندگان واقعی همیشه طالب صلح و آرامش هستند.

کلام خدا در غلاطیان ۲۲:۵ صلح و آرامش را یکی از ثمرات روح القدس نامیده است.

طبیعی است که وقتی روح القدس که روح صلح و آرامش است در ما به توسط ایمان ساکن شود، در ما ثمر صلح و سلامتی ایجاد خواهد کرد.

پس سه شخص تثلیث، یعنی پدر، پسر و روح القدس را می بینیم که چگونه برای برقراری صلح در ما فعالیت می کنند.

یهوه، خدای پدر که خدای سلامتی (آرامش) است پسرش عیسی مسیح که شاهزاده صلح می باشد را نجات دهنده ما ساخت تا بتوسط ایمان به او، روح القدس که روح صلح و آرامش است در ما ساکن شود.

این طرح و نقشه خدا برای ماست.

خداوند در ارمیا ۱۱:۲۹ می فرماید:

ارمیا ۱۱:۲۹ خداوند می فرماید: «من اراده خود را درباره شما میدانم. نقشه من فقط برای سلامتی شما است نه برای بدبختی تان. من می خواهم شما آینده امید بخشی داشته باشید. (ترجمه دری)

یوحنا ۳۳:۱۶ این چیزها را به شما گفتم تا در اتحاد با من آرامش داشته باشید. در جهان رنج و زحمت خواهید داشت. ولی شجاع باشید، من بر دنیا چیره شده‌ام. (ترجمه مؤده)

آرامشی که در اینجا عیسی مسیح به آن اشاره می کند فوق از تصور انسان است. آرامشی است که مستقیماً از خدا صادر می شود.

یوحنا ۲۷:۱۴ من هدیه ای نزد شما می گذارم و می روم. این هدیه، آرامش فکر و دل است. آرامشی که من به شما می دهم، مانند آرامش های دنیا بی دوام و زودگذر نیست. پس آسوده خاطر باشید! نترسید! (ترجمه تفسیری)

چهارمین حقیقتی که باید در رابطه با صلح و آرامش بدانیم، نمایندگان یا سفیران آن است.

۴) نمایندگان و سفیران صلح و آرامش

در درجه اول کلام خدا در اول قرنیتان ۱۵:۷ چنین می گوید:

اول قرنیتان ۱۵:۷ خدا می خواهد که ما ایمانداران در آرامش و صفا زندگی کنیم. (ترجمه تفسیری)

پس از این، خدا مسئولیتی بما می سپارد که در این رابطه چنین می گوید:

دوم قرن ۵: ۱۸-۱۹ تمام این نیکویی ها از سوی خدایی است که بخاطر فداکاری عیسی مسیح، ما را با خود آشتی داده است، و این مسئولیت را به ما سپرده تا پیغام این آشتی را به دیگران نیز برسانیم و ایشان را بسوی لطف الهی رهنمون شویم. پیغام ما اینست که خدا در مسیح بود و مردم را به آشتی با خود فرا می خواند تا گناهانشان را ببخشاید و آثار آن را پاک نماید. (ترجمه تفسیری)

پولس در آیه بعد می گوید که ما سفیران مسیح هستیم. بعبارتی خدا از زبان سفیرانش با مردم سخن می گوید.

علاوه بر این پولس در رساله کولسیان از مسیحیان می خواهد تا بگذارند که آرامش مسیح بر آنها چیره شود.

کولسیان ۳: ۱۵ بگذارید آرامشی که مسیح عطا می کند، همواره بر دلهای شما مسلط باشد، چون همه ما باید مانند اعضای یک بدن، در هماهنگی و صفا زندگی کنیم. (ترجمه تفسیری)

پولس همین مطلب را در فیلیپیان چنین بیان می کند:

فیلیپیان ۴: ۵-۷ در خداوند دائماً شاد باشید، و باز می گویم شاد باشید! در هر کاری از خودگذشتگی نشان بدهید و ملاحظه دیگران را نکنید. بخاطر داشته باشید که خداوند بزودی باز می گردد. برای هیچ چیز غصه نخورید؛ درعوض برای همه چیز دعا کنید و هر چه لازم دارید به خداوند بگویید و فراموش نکنید که برای جواب دعاها، از او تشکر نمایید. اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید. (ترجمه تفسیری)

حال سوال این است که، چطور می توان یک صلح کننده بود؟

چطور می توان یک صلح کننده بود؟

سه مرحله دارد. اولین مرحله:

۱- آشتی با خدا

صلح کنندگان باید اول خودشان با خدا آشتی کرده باشند. پیام نجات بخش انجیل در افسسیان ۶: ۱۵ پیام انجیل سلامتی نامیده شده. کسانی که قصد دارند کفشهای انجیل سلامتی را به کنند، یا به عبارتی دیگر، مبشرین انجیل مسیح باشند باید اول خودشان به این پیام ایمان آورده باشند.

زندگی مان باید بر مبنای کلام خدا باشد. باید با معیارهای کتاب مقدس زندگی کنیم. اگر در زندگی مان نسبت به کلام خدا نامطیع باشیم قادر به بشارت آن نیز نخواهیم بود. پس اولین شرط بشارت کلام خدا این است که اول خودمان با خدا آشتی کرده باشیم.

دومین مرحله این است که باید حامی و یاور مردم باشیم.

۲- کمک به دیگران

کسی که می خواهد صلح کننده باشد باید در رفع نیازهای مردم کوشا باشد. وقتی عیسی مسیح در موعظه سر کوه گفت که خوشبحال

صلح کنندگان مردمی را در نظر داشت که دلشان برای نیاز واقعی مردم می سوخت و طالب کمک به نیاز واقعی آنها بود. معمولاً این گونه افراد، از اینکه گناهکاران دور از خدا زندگی می کنند، رنج می کشند و حاضر هر زحمتی را متحمل شوند تا بتوانند به آنها کمک کنند تا راهشان را بیابند و با خدا مصالحه کنند. پولس رسول در رابطه با این گونه افراد چنین می گوید:

رومیان ۱۴:۱۰-۱۵ چگونه بخوانند کسی را که به او ایمان نیاورده اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبر او را نشنیده اند؟ و چگونه بشنوند بدون واعظ؟ و چگونه وعظ کنند جز اینکه فرستاده شوند؟ چنانکه مکتوب است که چه زیبا است پایهای آنانی که به سلامتی بشارت می دهند و به چیزهای نیکو مژده می دهند. (ترجمه تفسیری)

اگر می خواهید آرامش وارد زندگی کسی کنید با او در باره مسیح صحبت کنید. تاثیر این کار حتی از تاثیر تمام سیاست مداران و فعالان صلح بیشتر است. چون شما دارید آنها را با منبع و منشا آرامش آشنا می کنید.

پطرس در اعمال ۳۶:۱۰ می گوید، بشارتی که به آن موعظه می کند، خبر خوش مصالحه خدا از طریق عیسی مسیح می باشد. پس اگر بخواهیم صلح کننده باشیم، ما نیز باید همین پیام را به دیگران بشارت بدهیم که خدا فقط از طریق عیسی مسیح با مردم آشتی می کند.

سومین مرحله ای که صلح کنندگان باید بگذرانند، صلح کردن با مردم است.

۳- صلح کردن با مردم

کلام خدا در این رابطه صحبت‌های زیادی کرده ولی در اینجا فقط به چند مورد آن اشاره می کنیم.

اولین مورد را می توانیم در متی ۲۱:۵ مطالعه کنیم.

متی ۲۱:۵-۲۲ شنیده‌اید که در قدیم به مردم گفته شد: "قتل نکن و هرکس مرتکب قتل شود محکوم خواهد شد. اما من به شما می گویم: هرکس نسبت به برادر خود عصبانی شود، محکوم خواهد شد و هرکه برادر خود را ابله بخواند، به دادگاه برده خواهد شد و اگر او را "احمق" بخواند مستوجب آتش جهنم خواهد بود. (ترجمه مژده)

عیسی مسیح در اینجا اشاره به مسئله اصلی تمام نفاقها و جدایی ها، یعنی گناه می کند. مشکل اصلی روابط بین آدمها، گناه هست. او در اینجا می گوید گناه، خطا و یا اشتباهی که باعث جدای تو با برادر یا خواهرت شده را از میان بردار. مسیح جلوتر از این می گوید که علاوه بر برادر و خواهرت باید حتی با دشمنت نیز صلح کنی و برایش برکت بطلبی.

اگر می خواهیم صلح کننده واقعی باشیم باید مثل خداوندان عیسی مسیح همه را بپذیریم و با همه خوب باشیم. اینگونه نشان می دهیم که فرزندان خدا هستیم.

عیسی مسیح در متی ۱۸ می گوید اگر برادرت به تو خطا کرد، فوراً نزد او برو و مشکلت را با او حل کن. چون اگر مشکل حل نشود و مسکوت بماند تبدیل به جنگ سرد می شود. اگر مشکلات بین افراد مسکوت بمانند لزوماً به این مفهوم نیست که مشکلتان را با دیگری حل کرده اند بلکه به این مفهوم است که فعلاً توافق کرده اند تا آتش بس کنند. و همه ما میدانیم که آتش بس به مفهوم صلح نیست.

اول پطرس ۷:۳ شما ای شوهران، رفتارتان با همسرانتان باید با ملاحظه و توأم با احترام باشد، چون ایشان ظریفتر از شما هستند. در ضمن، فراموش نکنید که ایشان شریک زندگی روحانی و برکات الهی شما می باشند. بنابراین، اگر با ایشان آنگونه که شایسته است، رفتار نکنید، دعاهايتان مستجاب نخواهد شد.

عیسی مسیح چنین می گوید:

متی ۵:۹ نمک خوب است ولی اگر طعم خود را از دست بدهد، دیگر ارزشی ندارد و به هیچ غذایی طعم نمی دهد. پس شما نیز طعم خود را از دست ندهید. با هم در صلح و صفا زندگی کنید. (ترجمه تفسیری)

حال اجازه بدید تا یک نکته دیگر هم به اینکه چطور می توانیم یک صلح کننده باشیم اضافه کنم و آن مورد چهارم می باشد.

۴- تمرکز بر نکات مشترک با دیگران

برای ایجاد صلح و آرامش بین طرفینی که با هم مشکل دارند، اول باید یک پل بنا کرد. بنای پل از دو طرف انجام می شود. پلها یک طرفه ساخته نمی شوند. گاهی مشکل این است که هیچ کس اقدام به بنای پل نمی کند.

عیسی مسیح برای ما نمونه خوبی شد، با اینکه از انسان صدمه زیادی خورد اما حاضر شد آن پل ارتباطی را بنا کند تا ما را با خدا مصالحه دهد.

اگر واقعاً قصد داریم تا با مردم با صلح و آرامش زندگی داشته باشیم، باید بجای اختلاف نظرها، بر نکات مشترکمان متمرکز بشویم و از آنجا شروع کنیم.

پنجمین حقیقتی که باید در رابطه با صلح و آرامش بدانیم، ثمر یا نتیجه آن است.

۵) ثمر یا نتیجه صلح کننده بودن

عیسی مسیح در ادامه آیه ۹ چنین می گوید:

متی ۹:۵ خوشبحال صلح کنندگان، زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد. (ترجمه کلاسیک)

عیسی مسیح در اینجا می گوید که صلح کنندگان پسران خدا خوانده خواهند شد.

بعبارتی خدا نام تازه ای بما می دهد. این نام از تمام نامها و القابی که در دنیا وجود دارد با ارزش تر است.

خدا این نام را فقط به صلح کنندگان داده است.

در اینجا می خواهیم به چند نکته متنی اشاره کنم.

بررسی واژه ها

اول اینکه، مسیح از واژه یونانی **huios** به مفهوم پسران برای ادای احترام، شرافت و امتیاز، بجای واژه **teknah** یعنی فرزندان برای ابراز احساسات، استفاده کرده.

پس وقتی خدا می گوید که پسران خدا خوانده خواهند شد، به احترام، شرافت و امتیازی که فقط شایسته پسران خداست، اشاره می کند.

نکته دیگر اینکه فاعل جمله خداست، بعبارتی این خداست که تعیین می کند چه کسانی می توانند پسران و دختران او باشند. این

شایستگی را خدا به صلح کنندگان می بخشد.

دانستن اینکه خدا ما را پسران و دختران خود می داند، عشق و علاقه شدید او را به ما می رساند.

تشبیهاتی که خدا در کلامش از ما کرده نیز نشاندهنده علاقه شدیدش به ماست.

بعنوان مثال:

تشبیه مردمک چشم:

زکریا ۸:۲ کسی که به شما آزار برساند به خداوند آزار رسانده است، چون شما مثل مردمک چشم خداوند هستید. (ترجمه تفسیری)

تثنیه ۱۰:۳۲ او قومش را در بیابان خشک و سوزان یافت، او را دربر گرفت و از او مراقبت کرد، و مانند مردمک چشم خود از او محافظت نمود. (ترجمه تفسیری)

مزمور ۸:۱۷ از من مانند مردمک چشمت مواظبت نما و مرا زیر سایه بالهای خود پنهان کن. (ترجمه تفسیری)

مانند جواهر

زکریا ۱۶:۹-۱۷ در آن روز خداوند، خدایشان مثل چوپانی که از گله خود محافظت می کند، قوم خود را نجات خواهد بخشید. ایشان در سرزمین خوب و زیبای او مانند جواهر روی تاج، خواهند درخشید... (ترجمه تفسیری)

اشکهایمان را در مشکش می نهد (Bottle of Remembrance)

مزمور ۸:۵۶ تو شمار آوارگیهایم را نگاه می داری، و اشکهایم را در مشک خود می نهی! (ترجمه هزاره نو)

داود مقدسین را فاضلان و بزرگان می نامد

مزمور ۳:۱۶ و اما مقدسانی که در زمین اند و فاضلان، تمامی خوشی من در ایشان است. (ترجمه کلاسیک)

دوم تیموتاوس ۲:۲۱ اگر کسی خود را از گناه دور نگاه دارد، مانند ظرف گرانبها خواهد بود و مسیح برای هدفهای عالی، او را بکار خواهد گرفت. (ترجمه تفسیری)

در جای دیگر کلام خدا می فرماید:

مزمور ۱۵:۱۱۶ جانهای مقدسان خداوند نزد او عزیزند، پس او نخواهد گذاشت آنها از بین بروند. (ترجمه تفسیری)

در هر حال، مهم نیست که مردم ما را چه می نامند! اصلاً مهم نیست که دنیا چه نام یا ارزشی بر یک مسیحی می گذارد. مهم آن است که خدا ما را چگونه می بیند.

اینکه ما پسران و دختران او هستیم، یعنی خدا با عشق و محبت جاودانه، ما را دوست می دارد. و به این دلیل کلام خدا می فرماید که ...

... ما وارثان خدا می باشیم.

... خدا ما را از هر بدی حفظ خواهد ساخت

... او تمام خطایای ما را می آمرزد

... تمام بلایای ما را شفا می دهد

... همه چیز را به خیریت ما تمام می کند

... ما را وارد ملکوت جاودانی خود می کند

پس حقیقتاً همانطور که عیسی مسیح در متی ۹:۵ فرمود:

متی ۹:۵ خوشبحال صلح کنندگان، زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد.

موضوع جلسه آینده: زحمتکشان برای عدالت (متی ۱۰:۵)